

Advocacy in the Disciplinary Councils for Construction Engineering Organization; A Critique of the Judgment Handed Down by the Specialized Board for Administrative and Public Affairs of the Administrative Court of Justice

Milad Sadeghi: Ph.D. In International Trade and Investment Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran



آیین وادری تنظیم
Comparative Civil Procedure

وکالت در
شوراهای انتظامی
نظام مهندسی
... ساختمان؛

According to the procedure of the Disciplinary Councils for Construction Engineering Organization (the Council or Councils), the right to disciplinary complaint or defending the client's rights in the Council should be specified by the letter of authority, either the form of letter of attorney for courts, or the notarized letter of authority. Consequently, based on the said part, the Councils refuse to accept the letter of authority of judiciary attorneys in which the right to disciplinary complaint or defending the client's rights in these councils is not specified. The Specialized Board for Administrative and Public Affairs of the Administrative Court of Justice in the judgment No. 140431390000924695, dated July 13, 2025, has dismissed a complaint the relief sought of which was the annulment of that part. But is the judgment issued correctly? It seems that the judgment is incorrect and has illogical foundations and bases in its introductions and conclusion; thus, it deserves to criticize from the several point of view. Among the most serious problems in this fallacious judgment are the "unaccepted enthymeme fallacy" and "one-sided assessment fallacy". The judgement is contaminated by these fallacies. In conformity with the law of the land, the advocacy by the judiciary attorneys in the Disciplinary Councils for Construction Engineering Organization, does not require to specify to the name of such councils, and the Councils could not expect that the right to disciplinary complaint or defending the client's right in such councils should be specified by the letter of judiciary attorneys. This article has commented on the case in hand and criticized it in the aftermath of stating the different parts of the case. The research methods used here are analytical-desk based as well as, legislative/regulatory-comparative.

Keywords: Advocacy in Legal Actions, Annulment of Regulation, Powers of Attorney, Quasi-Judiciary Tribunals, The Right to Disciplinary Complaint.

وکالت در شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان؛

نقدی بر دادنامه هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان
عدالت اداری

نوشته

میلاد صادقی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳

چکیده

بر طبق آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان، حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا باید در وکالت‌نامه - خواه فرم وکالت‌نامه محاکم و خواه وکالت‌نامه رسمی - تصریح شده باشد و شوراهای انتظامی مستند به این قسمت، از پذیرش وکالت‌نامه وکلای دادگستری که در آن به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در این شوراها تصریح نشده باشد، پرهیز می‌کنند. هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۱۴۰۴۳۱۳۹۰۰۰۹۲۴۶۹۵ مورخ ۲۲ تیر ۱۴۰۴، رأی به رد شکایتی داده که در آن، ابطال قسمت یادشده مورد تقاضای شاکی بوده است. اما آیا این رأی به شکل صحیح اصدار یافته است؟ به نظر می‌رسد که رأی یادشده نادرست بوده، بنیان‌ها و پایه‌های استدلالی ناصوابی در مقدمات و نتیجه‌گیری خود دارد و از جهات عدیده قابل انتقاد می‌نماید. از جدی‌ترین اشکالات این رأی غلط‌افکن، آلوده بودن آن به «مغالطه قیاس ضمیر مردود» و «مغالطه ارزیابی یک‌طرفه» است. وکالت وکلای دادگستری در شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان، مطابق با قوانین و مقررات موضوعه کشور، احتیاجی به تصریح به نام این‌گونه شوراها ندارد و نمی‌توان این شوراها را متوقع دانست که حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در چنین شوراهایی در وکالت‌نامه وکلای دادگستری تصریح شده باشد. نگارنده این مقاله در پی نقل قسمت‌های مختلف پرونده موردنظر و به روش تحقیق تحلیلی - کتابخانه‌ای و قانونی - تطبیقی به شرح و نقد آن پرداخته است.

کلیدواژه: ابطال مقرر، اختیارات وکیل، حق شکایت انتظامی، مراجع شبه قضایی، وکالت در دعوی.

۲۸۵



آیین دادرسی مدنی تطبیقی
Comparative Civil Procedure

وکالت در
شوراهای انتظامی
نظام مهندسی
ساختمان؛ ...

* دانش‌آموخته دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران
md.sadeghi.n@gmail.com

مقدمه

مطابق با «آیین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان» (مصوب ۱۷ بهمن ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی)، نظام مهندسی در استان‌ها دارای یک «شورای انتظامی استان» خواهد بود که شوراها نامبرده مرجع رسیدگی به شکایات و دعاوی اشخاص حقیقی و حقوقی در خصوص تخلفات حرفه‌ای، انضباطی و انتظامی مهندسان و کاردان‌های فنی عضو نظام مهندسی استان و یا دارندگان پروانه اشتغال می‌باشند^۱. به موجب همان آیین‌نامه، مرجع تجدیدنظر در خصوص تصمیمات و آرای شورای انتظامی استان‌ها، «شورای انتظامی نظام مهندسی» است^۲. از آنجا که این آیین‌نامه، تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی به تخلفات در شوراها انتظامی بدوی و تجدیدنظر و نحوه ابلاغ و اجرای احکام قطعی را به وزیر راه و شهرسازی سپرده و آن را ملاک عمل کلیه مراجع مربوط قرار داده است^۳، آیین رسیدگی موردنظر در ۱۰۰ ماده و در تاریخ اول خرداد ۱۴۰۰ به تصویب وزیر راه و شهرسازی رسید. بنابر آیین رسیدگی یادشده، «شورای انتظامی» مرجع رسیدگی به تخلف انتظامی مهندسان عضو «سازمان نظام مهندسی ساختمان» و کاردانان عضو «سازمان نظام کاردانی ساختمان» است؛ در این آیین، از «شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان استان» به «شورای استان» و از «شورای انتظامی نظام مهندسی» به «شورای کشور» تعبیر شده است و نهایتاً اصطلاح «شورا» به هر دو شورای پیش‌گفته اطلاق می‌گردد^۴.

بر طبق ماده ۴ «آیین رسیدگی شوراها انتظامی مهندسی ساختمان»، شاکی و مشتکی عنه می‌توانند حداکثر دو نفر وکیل را - اعم از وکیل دادگستری یا وکیل مدنی که وکیل مدنی باید مهندس عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان باشد - اختیار نمایند؛ وکیل یادشده دارای کلیه اختیارات لازم برای رسیدگی است، مگر آنکه اختیار انجام کاری از وی از سوی موکل به صورت کتبی سلب شده باشد. وکیل دادگستری مطابق فرم وکالت‌نامه محاکم و وکیل مدنی مطابق وکالت‌نامه رسمی می‌تواند اعلام وکالت نماید. با این حال بر اساس همان ماده، «حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا باید در وکالت‌نامه تصریح شده باشد».

بنابر ترتیب اخیر و به استناد وجود آیین دادرسی ویژه، شورای انتظامی استان‌ها و «شورای انتظامی نظام مهندسی»، وکالت‌نامه و قرارداد الکترونیک وکالت وکلای دادگستری

۲۸۶



آیین دادرسی قضایی
Comparative Civil Procedure

سال اول / شماره دوم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۱. ماده ۸۳ و ۸۵ (اصلاحی ۱۳۹۴/۱۲/۰۲).

۲. ماده ۹۴.

۳. تبصره ۳ (الحاقی ۱۳۹۴/۱۲/۰۲) ماده ۱۰۱.

۴. «آیین رسیدگی شوراها انتظامی نظام مهندسی ساختمان»، خرداد ۱۴۰۰، ماده ۱، بند «س».

را بدون تصریح به حق شکایت انتظامی وکیل یا دفاع از حقوق موکل در شورا، مورد پذیرش قرار نداده، از اعلام وکالت وکلای دادگستری و مداخله ایشان در فرایند رسیدگی به شکایت و دفاع از حقوق موکل ممانعت به عمل می‌آورند.

درحالی که پیش‌تر قسمت دیگری از این ماده (ضرورت عضویت وکیل مدنی در سازمان نظام مهندسی ساختمان به‌عنوان مهندس و منحصر نمودن وکیل مدنی به اعضای مهندس سازمان یادشده) مورد اعتراض بوده و دیوان عدالت اداری رأی به مغایرت آن با ماده ۶۵۶ قانون مدنی داده و آن را واجد ایرانی قانونی شناخته است (دادنامه شماره ۱۴۲۴۷۲۴/۱۴۰۳۳۱۳۹۰۰۰ مورخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری)، اما تقاضای ابطال قسمت مربوط به ضرورت «تصریح به حق شکایت انتظامی وکیل یا دفاع از حقوق موکل در شورا» و شکایت از این قسمت به‌موجب دادنامه شماره ۱۴۰۴۳۱۳۹۰۰۰۹۲۴۶۹۵ مورخ ۲۲ تیر ۱۴۰۴ هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری مردود شناخته می‌شود.

۲۸۷



آیین‌وادی برای تطبیق
Comparative Civil Procedure

وکالت در
شوراهای انتظامی
نظام مهندسی
ساختمان: ...

اینک باید پرسید که آیا دادنامه اخیر صحیح و منطبق با موازین قانونی صادر شده است؟ برای پاسخ، ابتدا پرونده موردنظر، مشتمل بر ذکر ادله شاکی و توضیحات طرف شکایت (وزارت راه و شهرسازی) و متن رأی آن هیئت، نقل و سپس، ابعاد مختلف پرونده، بررسی و نقد می‌گردد. در اینجا نباید از یاد برد که تضمین حقوق بنیادین شهروندان و اطمینان یافتن از اینکه قوای عمومی و حاکم به این حقوق احترامی درخور می‌گذارند، در گرو طراحی نظامی مطلوب برای دادرسی است و این دادرسی آنگاه مطلوب خواهد بود که از برخی اوصاف ضروری نظیر «پیش‌بینی‌پذیری متعارف» بهره‌مند باشد (غمامی، ۱۴۰۱: ۱۴۹ و ۱۶۰).

۱. پرونده و محتویات آن

در این قسمت، همان‌گونه که آمد، رأی هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری به انضمام ادله شاکی و توضیحات طرف شکایت (وزارت راه و شهرسازی) نقل خواهد شد و این ترتیب عیناً برگرفته از دادنامه آن هیئت است که به انتشار عمومی رسیده و در پایگاه‌هایی چون مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «رأی شماره ۹۲۴۶۹۵ [هیئت] تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: قسمتی از ماده ۴ آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان، مصوب ۱۴۰۰/۳/۱ وزیر راه و شهرسازی ابطال نشد»، قابل دسترسی و ملاحظه است.^۱

۱. دادنامه شماره ۱۴۰۴۳۱۳۹۰۰۰۹۲۴۶۹۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ در پرونده به شماره بایگانی ۰۳۰۰۲۰۹.

شماره پرونده: هت / ۰۳۰۰۲۰۹

شاکي: آقای م.ص.

طرف شکایت: وزارت راه و شهرسازی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتی از ماده ۴ آیین رسیدگی شوراهای انتظامی

نظام مهندسی ساختمان، مصوب [۱۴۰۰/۳/۱] وزیر راه و شهرسازی

* شکای دادخواستی به طرفیت [وزارت] راه و شهرسازی به خواسته فوق الذکر به دیوان عدالت اداری تقدیم کرده که به هیأت عمومی ارجاع شده است. متن مقررۀ مورد شکایت به قرار زیر می باشد:

آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان، مصوب [۱۴۰۰/۳/۱] وزیر

راه و شهرسازی

ماده ۴- در تمام مراحل رسیدگی، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۸۳» از سوی تمام اشخاص ذی ربط که در فرآیند رسیدگی دخالت دارند، الزامی است.

شاکي و مشتکی عنه می توانند حداکثر دو نفر وکیل اعم از وکیل دادگستری یا وکیل مدنی-که وکیل مدنی باید مهندس عضو سازمان باشد- را اختیار نمایند. وکیل دارای کلیۀ اختیارات لازم برای رسیدگی است [،] مگر آن که اختیار انجام کاری از وی توسط موکل کتباً سلب شده باشد. وکیل دادگستری مطابق فرم وکالت نامه محاکم و وکیل مدنی مطابق وکالت نامه رسمی می تواند اعلام وکالت نمایند. حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا باید در وکالت نامه تصریح شده باشد [،]. ترتیبات وکالت در شورا در موارد سکوت در این آیین رسیدگی، برابر مقررات مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی است. حق داشتن وکیل باید در برگه اخطاریه مربوط به وقت جلسه رسیدگی قید و به طرفین ابلاغ شود.

* دلایل شاکي برای ابطال مقررۀ مورد شکایت:

۱- مطابق قسمتی از ماده ۴ [آیین] رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان،

وکیل دادگستری مطابق فرم وکالت نامه محاکم می تواند اعلام وکالت نماید.

۲- شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان از جمله مراجع شبه قضایی به شمار

[می رود].

۳- مستند به رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۷۵ مورخ [۱۳۷۵/۸/۵]

اختصاص وکالت نامه های وکلای دادگستری به مراجع قضایی نافی اعتبار آنها در مراجع غیرقضایی نیست [،] لذا به قیاس اولویت اختصاص وکالت نامه های وکلای دادگستری به

۲۸۸



آیین دادرسی مدنی تطبیقی
Comparative Civil Procedure

سال اول / شماره دوم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

مراجع قضایی، نافی اعتبار آنها در مراجع شبه قضایی نیز نخواهد بود.

۴- مراد از اعطای [وکالت] موکلین به وکلای دادگستری و انعقاد قرارداد [الکترونیک] وکالت میان موکلین و وکلای دادگستری، وکالت در محاکمه در همه مراجع قضایی و شبه قضایی است و بر طبق عموماً قانون مدنی در باب وکالت از جمله ماده ۶۶۴ قانون مدنی [۱]، وکیل در محاکمه تنها اختیار وکالت در قبض حق را ندارد و می تواند به منظور محاکمه به همه مراجع صالحه رجوع نماید و حقوق خود را به موقع اجرا بگذارد، لذا ابطال مقررۀ مورد شکایت مورد استدعاست.

* [در] پاسخ به شکایت مذکور، وزارت راه و شهرسازی به موجب لایحه شماره ۷۳۰/۹۳۸۳۱ مورخ [۱۴۰۳/۰۶/۲۴] به طور خلاصه توضیح داده است که:

۱- شاکی مستند قانونی برای ابطال موضوع خواسته ارائه ننموده است.

۲- مستند به ماده ۴ آیین نامه رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان مصوب ۱۴۰۰ [۱]، وکیل دارای کلیۀ اختیارات لازم برای رسیدگی است مگر آن که اختیار انجام کاری از وی توسط موکل کتباً سلب شده باشد.

۳- وکالت عقدی است جایز و إذن موکل به وکیل است جهت انجام امور و مورد إذن [۱]. بنابراین مطابق با قاعده اصل لزوم در عقود إذن از جمله وکالت هریک از موارد اموری که موکل جهت انجام به وکیل اذن می دهد [۱]، نیازمند به تصریح بوده و در صورت عدم درج اختیار و إذن حتی در موارد مشابه باید مورد تفسیر مضیق قرار گرفته، اختیار انجام آن را برای وکیل جایز ندانست.

۴- عبارت حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا باید در وکالت نامه تصریح شده باشد. در ماده ۴ آیین نامه موضوع شکایت کاملاً دقیق مورد تنقیح قرار گرفته، چراکه این عبارت بیشتر مختص به وکیل مدنی است و مطابق با قاعده کلی ضروری است اختیارات وکیل مدنی نیز جزء به جزء در متن وکالت نامه تنظیمی توسط دفاتر اسناد رسمی مورد تصریح قرار گرفته باشد.

۵- مطابق مواد ۳۵-۳۶ حاصل آیین دادرسی مدنی نیز اختیارات وکیل رسمی دادگستری نیازمند به تصریح بوده و باید در وکالت نامه وی این اختیارات عیناً درج گردد، لذا رد شکایت مورد استدعاست.

* پرونده کلاسۀ ۰۳۰۰۲۰۹ هـ ع با موضوع «ابطال قسمتی از ماده ۴ آیین نامه رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان مصوب [۱۴۰۰/۳/۱] هیأت وزیران» در جلسه هیأت تخصصی اداری و امور عمومی مطرح و به شرح آتی اتخاذ تصمیم گردید:

* رأی هیأت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری



به موجب قسمتی از ماده ۴ آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان مصوب وزیر راه و شهرسازی مورخ [۱۴۰۰/۳/۱] [وکیل] دارای کلیه اختیارات لازم برای رسیدگی است مگر آنکه اختیار انجام کاری از وی توسط موکل کتباً سلب شده باشد و «حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا باید در وکالت‌نامه تصریح شده باشد».[.] همچنین ترتیبات وکالت در شورا در موارد سکوت در این آیین رسیدگی برابر مقررات مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی است. با توجه به اینکه بر اساس ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی [،] وکالت در دادگاه‌ها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثناء کرده باشد، یا توکیل در آن خلاف شرع باشد، لیکن در امور مذکور در این ماده باید اختیارات وکیل در وکالت‌نامه تصریح شود. همچنین به موجب تبصره ۱ این ماده [،] اشاره به شماره‌های یادشده در این ماده بدون ذکر موضوع آن تصریح محسوب نمی‌شود و مطابق ماده ۳۶ قانون مذکور [،] وکیل در دادرسی، در صورتی حق درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم‌به و وجوه ایداعی به نام موکل را خواهد داشت که در وکالت‌نامه تصریح شده باشد. بنابراین با عنایت به اینکه به موجب تبصره ۳ ماده ۱۰۱ آیین‌نامه اجرایی قانون نظامی مهندسی و کنترل ساختمان الحاقی مورخ [۱۳۹۴/۱۲/۲] آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی بدوی و تجدیدنظر و نحوه ابلاغ و اجرای احکام قطعی، با تصویب و ابلاغ وزیر راه و شهرسازی، ملاک عمل کلیه مراجع مربوط خواهد بود و با توجه به اینکه حکم مذکور در مقررده مورد شکایت در راستای اختیار قانونی مبنی بر تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی بوده که بر اساس آن تصریح به وکالت در شوراهای انتظامی الزامی اعلام شده است و از سوی دیگر مقررده مورد شکایت مغایرتی با احکام مذکور از قانون آیین دادرسی مدنی ندارد؛ در نتیجه مستنداً به بند (ب) ماده ۸۴ قانون دیوان عدالت اداری [اصلاحی ۱۴۰۲/۲/۱۰] رأی به رد شکایت صادر می‌شود، این رأی ظرف بیست روز از تاریخ صدور، از سوی رئیس ارزشمند یا ده نفر از قضات گرانقدر دیوان عدالت اداری قابل اعتراض است. بر اساس ماده ۹۳ قانون یادشده آرای هیأت‌های تخصصی و هیأت عمومی در ابطال یا عدم ابطال مصوبات موضوع بند ۱ ماده ۱۲ این قانون، در رسیدگی و تصمیم‌گیری مراجع قضایی و اداری، معتبر و ملاک عمل است.

دکتر زین‌العابدین تقوی

رئیس هیأت تخصصی اداری و امور عمومی



۲. شرح و نقد پرونده

به نظر می‌رسد که در شرح و نقد این پرونده نیز باید به قسمت‌های مختلف آن توجه داشت. با این توضیح که نه تنها رأی هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری درخور نقد بوده که رویکرد آن هیئت در نحوه یا شیوه تبیین جریان پرونده و مقدمات آن (ذکر ادله شاکای و توضیحات طرف شکایت) قابل انتقاد است. از این گذشته، ایرادهای وارده بر توضیحات طرف شکایت نشان خواهد داد که اساساً این توضیحات فاقد وزن و ارزش حقوقی‌اند و هیئت به جای آنکه این توضیحات را ارزیابی نماید از این توضیحات در متن رأی خود بهره‌برداری کرده است؛ زیرا توضیحات طرف شکایت یا «عمداً نادیده گرفتن» و پرهیز از پاسخ بوده است (توضیح نخست طرف شکایت) یا تکرار عین حکمی از ماده ۴ «آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان» که هیچ‌گونه ارتباطی با مقررۀ مورد شکایت ندارد (توضیح دوم طرف شکایت)؛ یا غفلت از نوع و ویژه‌ای از وکالت با عنوان «وکالت در محاکمه» در قانون مدنی و استناد و اجرای نادرست تفسیر مضیق در حدود اختیارات وکیل در محاکمه یا وکیل در مرافعه است (توضیح سوم طرف شکایت)؛ یا مجدداً تکرار عین حکمی از ماده ۴ آیین رسیدگی یادشده بوده که خود مورد شکایت است و وضعیت غالب آن یعنی وکالت مدنی به‌عنوان توجیه و فلسفه درج آن معرفی شده است (توضیح چهارم طرف شکایت)؛ در نتیجه و قطع نظر از اینکه در همین حد نیز از جهات مختلف همچون تلقی آن به‌عنوان وضعیت غالب و اجد اشکال است، فراموش می‌کند که شاکای به عدم پذیرش وکالت‌نامه و قرارداد الکترونیکی وکالت وکلای دادگستری در شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان استان اعتراض نموده است؛ لذا اختصاص داشتن مقررۀ مورد شکایت به وضعیت غالب آن (وکالت مدنی) و توجیه آن در این حد، دلیلی بر اختصاص آن به وضعیت غیر غالب و توجیه آن در این وضعیت نخواهد بود. در نهایت، آخرین توضیح طرف شکایت، آشکارا اختیارات وکیل دادگستری را از اصل به یک امر استثنایی و خلاف قاعده فرو می‌کاهد و آن را به قانون آیین دادرسی مدنی نسبت می‌دهد. نظر به این اوصاف، یعنی رویکرد قابل انتقاد هیئت در نحوه یا شیوه تبیین جریان پرونده، ایرادهای اساسی وارده به توضیحات طرف شکایت که خود به متن رأی نفوذ یافته و نهایتاً استدلال‌های ناصحیح هیئت در رأی، پرونده مورد نظر به ترتیب از چهار جهت شرح و نقد می‌گردد: نخست، یک‌طرفه بودن ارزیابی هیئت؛ دوم، اشکال و ابهام در نقل جریان پرونده؛ سوم، ایرادات وارده بر توضیحات طرف شکایت و ارزیابی این توضیحات؛ و چهارم، تحلیل انتقادی محورهای استدلالی رأی هیئت.

طرح و بحث از این جهات چهارگانه، البته با ذکر دو جهت پایانی با عنوان «وضعیت





اختیار وکالت در سایر مراجع شبه قضایی و غیرقضایی در ایران» و بالاخره «شیوه عمل و حدود اختیارات وکیل در حقوق خارجی» همراه خواهد بود و در پرتو این دو موضوع به تکامل خواهد رسید. با بحث نخست مشخص می شود که رأی هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری خود به عدم انسجام در شیوه وکالت در چنین مراجعی دامن زده است که در حقیقت این هیئت می بایست مانع از آن می شد و در راستای منطق دادن به نظام حقوقی ایران و ارائه پاسخی هماهنگ، متحد و منسجم و نه تفرقه برانگیز و پراکنده گام برمی داشت. با بحث پایانی می توان احتمال داد که در حقوق خارجی، ضوابط مربوط به وکالت یا نمایندگی اشخاص غیر وکیل در جلسات رسیدگی مراجع شبه قضایی با ضوابط وکالت و نمایندگی وکلای داگستری متفاوت است و آنچه موجب حساسیت و ملاحظات بیشتر است، وکالت یا نمایندگی اشخاص غیر وکیل است. البته حقوق خارجی متضمن نکات دقیق تری در خصوص حدود اختیارات وکیل است.

۲.۱. مغالطه ارزیابی یک طرفه

در مغالطه «ارزیابی یک طرفه»^۱ با «نقل قول ناقص»^۲ یا «گلچین کردن مطالب»^۳ روبه رو هستیم و این روش با ساده کردن یک نظریه متفاوت است (جعفری تبار، ۱۳۹۹: ۲۷۹). این از اولین مغالطه های هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری و تلاش این هیئت برای موجه و منطقی جلوه دادن تصمیم و رأی خود است که در حقیقت پیش از اعلام و انشای رأی، دریافت می شود. چنان که ملاحظه می کنیم، دادنامه هیئت در بیان دلایل شاکی برای ابطال مقررۀ مورد شکایت، به نقل چهار دلیل پرداخته و متعاقباً در ذکر توضیحات مندرج در لایحه جوابیه وزارت راه و شهرسازی به پنج مطلب توضیحی اشاره کرده است؛ حال آنکه شاکی دو استناد یا دلیل دیگر نیز برای ابطال مقررۀ مورد نظر داشته و هیئت از ذکر آنها در دادنامه اجتناب نموده است:

یکی اینکه، «در نمونه و قالب وکالت نامه و قرارداد الکترونیک به عنوان یکی از متون پیش فرض و مورد استفاده وکلای داگستری، تصریح می شود که طرح دعوا (ارائه دادخواست و شکوائیه) و یا دفاع از حقوق موکل در هریک از مراجع شبه قضایی و حتی به طور کلی «سایر مراجع» از موضوعات وکالت است». شاکی این دلیل را درست پس از اشاره به این مطلب آورده است که مطابق قسمتی از ماده ۴ آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان، وکیل داگستری مطابق فرم وکالت نامه محاکم می تواند اعلام وکالت نماید.

1. . One-sided assessment.
2. . Fallacy of incomplete.
3. . Cherry picking.

استدلال دیگر اینکه «برابر با تجویز مندرج در ماده ۳ آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب ۱۴۰۰/۰۴/۰۲، وکیل دادگستری با رعایت قوانین و مقررات این آیین نامه، با ارائه وکالت نامه، مجاز به وکالت و انجام سایر امور قابل توکیل در مراجع شبه قضایی است».

افزون بر این، دومین دلیل مورد اشاره دادنامه نیز به شکلی ناقص نقل می‌گردد، زیرا شاکی در توجیه شبه قضایی بودن شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان به مقدمات رأی وحدت رویه شماره ۷۸۶ مورخ ۲۴ دی ۱۳۹۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور استناد کرده که بر طبق آن، شورای یادشده به صراحت از گونه مراجع شبه قضایی عنوان شده است!

۲. اشکال و ابهام در نقل جریان پرونده

اشکال دیگری که رویکرد هیئت در نقل جریان پرونده دارد، به نحوه بیان موضوع شکایت و خواسته باز می‌گردد و دست‌کم تا پیش از ورود به متن رأی و حتی در قسمت‌هایی از آن (متن رأی) مشهود و واضح است. خواننده تا پیش از مطالعه متن رأی به روشنی در نمی‌یابد که مقصود از عبارت «ابطال قسمتی از ماده ۴ آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان» در توضیح «موضوع شکایت و خواسته»، کدام قسمت از ماده ۴ بوده است. نه تنها تا پیش از متن رأی نمی‌توان به سادگی و با ملاحظه توضیحات طرف شکایت و نقل قول ناقص ادله شاکی، به «موضوع شکایت و خواسته» یا مقررۀ مورد اعتراض پی برد که این توضیح طرف شکایت مبنی بر اینکه «وکیل دارای کلیه اختیارات لازم برای رسیدگی است مگر آنکه اختیار انجام کاری از وی توسط موکل کتباً سلب شده باشد»، می‌تواند این پرسش را ایجاد نماید که آیا منظور از موضوع شکایت و خواسته یا مقررۀ مورد اعتراض، همین قسمت از ماده ۴ بوده است؟

اساساً این قسمت از ماده ۴ موضوع شکایت و خواسته نبوده، بلکه موضوع شکایت و خواسته مربوط است به آن قسمت از ماده که مقرر می‌دارد: «حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا باید در وکالت نامه تصریح شده باشد». شاکی به این موضوع در مقدمه و خاتمه درخواست ابطال تصریح نموده است، لیکن دادنامه با ذکر تمامی قسمت‌های ماده،

۱. البته برخی از نویسندگان معتقدند که شورای انتظامی استان و شورای انتظامی نظام مهندسی، مراجعی بیرون از دادگستری هستند و در واقع «مراجع غیرقضایی» به شمار می‌روند (محسنی، ۱۴۰۰: ۲۲۵).
با این همه، بر اساس مصوبه شماره ۹۰۰۰/۱۴۶۲/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱/۹ رئیس قوه قضاییه با عنوان «دستورالعمل جامع امور نمایندگان قوه قضاییه و نظارت بر مراجع شبه قضایی»، مراجع شبه قضایی در این دستورالعمل از جمله ناظر به مراجع اختصاصی اداری، انتظامی یا صنفی است که جهت رسیدگی به اموری چون تخلفات به موجب قوانین و مقررات ایجاد شده‌اند؛ از قبیل شوراها و مراجع انتظامی.

۲۹۳



آیین و اداری در تطبیق
Comparative Civil Procedure

وکالت در
شوراهای انتظامی
نظام مهندسی
ساختمان؛ ...

نقل قول ناقص ادله شاکي، عدم اشاره به مقصود شاکي از قسمت مورد شکایت و همچنین انعکاس قسمت بی ارتباط با موضوع شکایت به عنوان یکی از توضیحات طرف شکایت، این ابهام را بازتاب می دهد که به راستی کدام قسمت، مورد شکایت و درخواست ابطال بوده است؟ آیا شاکي به برخورداری وکیل از کلیه اختیارات لازم برای رسیدگی اعتراض داشته که طرف شکایت نیز در توضیحات خود به تکرار آن پرداخته یا آنکه سلب کتبی اختیار انجام کاری از وکیل از سوی موکل مورد اعتراض شاکي بوده است؟ بدیهی است که هیچ یک موضوع شکایت و خواسته نبوده است.

نکته قابل تأمل آنکه همین ابهام به بخش های ابتدایی و آغازین رأی نیز نفوذ یافته است؛ آنجا که می خوانیم: «[وکیل] دارای کلیه اختیارات لازم برای رسیدگی است مگر آنکه اختیار انجام کاری از وی توسط موکل کتباً سلب شده باشد».

۳.۲. ارزیابی سایر توضیحات طرف شکایت

اکنون که مشخص شد این قسمت از ماده ۴ آیین رسیدگی که مقرر می دارد، «وکیل دارای کلیه اختیارات لازم برای رسیدگی است مگر آنکه اختیار انجام کاری از وی توسط موکل کتباً سلب شده باشد»، اساساً موضوع خواسته و شکایت شاکي نبوده، تکرار و آوردن آن نیز از جانب طرف شکایت به عنوان دومین توضیح در لایحه جوابیه، کاملاً بی وجه و بی ارتباط با موضوع خواسته شاکي بوده است، نوبت به ارزیابی سایر توضیحات طرف شکایت می رسد. در یکی دیگر از این توضیحات ملاحظه می کنیم که طرف شکایت اظهار داشته است:

«مطابق مواد ۳۵-۳۶ حاصل [از] آیین دادرسی مدنی نیز اختیارات وکیل رسمی دادگستری نیازمند به تصریح بوده و باید در وکالت نامه وی این اختیارات عیناً درج گردد». این گفته نیز آشکارا نادرست و مغایر با حکم قانون است، زیرا ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، متضمن اصل اختیار وکیل در دعاوی و دادرسی بوده، در مقام تردید، همین اصل است که رعایت خواهد شد (نویخت، ۱۳۹۳: ۶۷). افزون بر آن، هیچ یک از فقرات چهارده گانه مندرج در ماده ۳۵ قانون یادشده، به وکالت در مراجع شبه قضایی یا غیرقضایی و ضرورت تصریح به آن اشاره ندارد و ماده ۳۶ این قانون نیز تنها وکالت در مرحله اجرایی یا قبض حق را نیازمند تصریح در وکالت نامه می بیند^۱. علاوه بر این، نباید گمان کرد در صورت عدم تصریح به اختیارات وکیل دادگستری،



۱. لازم به ذکر است که موارد شمارش شده در ماده ۳۶ این قانون مشتمل بر حق درخواست صدور برگ اجرایی، تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجوه ایداعی به نام موکل می توانست در ادامه ماده ۳۵ و [فقرات چهارده گانه آن] قید شود (حیاتی، ۱۳۹۵: ۹۵).

فرض بر نبود وکالت و اعمال اصل عدم ولایت است. به تصور برخی، اقدامات وکیل و حدود وکالت او باید در وکالت‌نامه به صراحت ذکر شده باشد و مطابق قوانین موضوعه هر اقدامی که وکیل در حدود خود انجام می‌دهد، مربوط به موکل بوده، نفع و ضرر آن عاید مشارالیه خواهد شد (عبده بروجردی، ۱۴۰۱: ۱۳۳).

اما به نظر می‌رسد که در خصوص وکالت وکیل دادگستری، اجرای اصل عدم ولایت تاجایی موجه است که در وقوع رابطه وکالت تردید وجود داشته باشد؛ با احراز وقوع رابطه وکالت در دعاوی، این اصل جای خود را به اصل اختیار وکیل در محاکمه یا دعاوی یا وکیل در مرافعه (البته با محدودیت‌ها و استثنای مقرر)^۱ خواهد داد و در صورت تردید در لوازم آن، محلی برای اعمال اصل عدم ولایت وجود نخواهد داشت. می‌توان این‌گونه استدلال کرد که اذن در شئی، اذن در لوازم آن نیز بوده و در نتیجه حق شکایت انتظامی و یا دفاع از حقوق موکل در شوراهای انتظامی از لوازم منطقی و عقلی اختیار اوست.

اشکالات وارده بر توضیحات طرف شکایت به این دو مطلب محدود نبوده و فراتر از آن است. برای نمونه، طرف شکایت در توضیح خود چنین عنوان کرده که شاکی مستند قانونی برای ابطال موضوع خواسته ارائه نداده است. این توضیح نیز در صورتی است که شاکی به عموماً قانون مدنی در باب وکالت از جمله ماده ۶۶۴ قانون یادشده استناد جسته است. ماده ۶۶۴ قانون مدنی البته تعبیری دیرینه‌تر از ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است که به موجب آن، وکیل در محاکمه، وکیل در قبض حق نیست؛ مگر اینکه قراین دلالت بر آن نماید. به سخنی دیگر، ماده ۶۶۴ قانون مدنی خود متضمن اصل اختیار وکیل در دعاوی و دادرسی است. از آنجا که وکالت وکیل در مراجع شبه قضایی نیز همانند وکالت او در مراجع قضایی، از جنس دعوی، محاکمه و دادرسی محسوب می‌شود، به طوری که این امر را مقررات مختلف «آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان» نیز تأیید می‌کند؛^۲ لذا باید گفت که اتفاقاً خلاف توضیح طرف شکایت، شاکی ماده ۶۶۴ قانون مدنی را به‌عنوان مستند قانونی برای ابطال موضوع خواسته ارائه کرده است. مضافاً این ماده مبین اصل اختیار وکیل در دعاوی و دادرسی بوده، نشان می‌دهد که چنین وکیلی در تمامی مراجع قانونی و فارغ از ماهیت و

۲۹۵



آیین دادرسی انتظامی
Comparative Civil Procedure

وکالت در
شوراهای انتظامی
نظام مهندسی
ساختمان؛ ...

۱. برای نمونه، با توجه به اینکه وکالت راجع به فرجام‌خواهی در زمرهٔ اموری است که اختیار وکیل نسبت به آن نیازمند تصریح می‌باشد، لذا اعطای حق استرداد درخواست فرجامی به وکیل، مفید اختیار وی نسبت به اصل فرجام‌خواهی نخواهد بود. نک: دادنامه شماره ۱۸۰۵/۲۴۳۴۰/۹۳۰۹۹۸۰ مورخ ۲۵ تیر ۱۳۹۴ شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.

۲. از آن جمله می‌توان به ماده ۳۸ آیین رسیدگی مزبور استناد کرد که می‌نویسد: «طرفین دعوی موظفند در وقت رسیدگی ابلاغ شده در شورا حاضر شوند».

شکل خود، خواه قضایی، خواه شبه قضایی، می تواند به منظور دادخواهی و اقامه یا طرح دعوی یا دفاع، وکالت نماید و تنها در فقرات چهارده گانه ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و موارد شمارش شده در ماده ۳۶ قانون پیش گفته است که وکالت نامه او باید دارای تصریح بخصوصی باشد که هیچ یک از فقرات و موارد اخیر نیز ناظر به وکالت در مراجع شبه قضایی یا غیرقضایی نیستند.

۲.۴. بررسی محورهای استدلالی رأی

به استثنای قسمت آغازین رأی که متضمن عبارتی غیرمرتبط با ماده ۴ «آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان» در خصوص موضوع شکایت و خواسته است، استدلال های رأی هیأت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری، بی شک از دو محور خارج نیست و در همین حدود قابل بررسی و نقد است:

نخست، این استدلال که «ترتیبات وکالت در شورا در موارد سکوت در این آیین رسیدگی برابر مقررات مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی است». به همین جهت هیئت در رأی خود در پی ذکر این مطلب به سراغ تکرار مفاد ماده های ۳۵ و ۳۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی رفته و در نهایت چنین عنوان نموده است که مقرره مورد شکایت با احکام یادشده مغایرتی ندارد و در نتیجه باید رأی به رد شکایت داد.

استدلال دوم اینکه «به موجب تبصره ۳ ماده ۱۰۱ آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان الحاقی مورخ [۱۳۹۴/۱۲/۲] آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی بدوی و تجدیدنظر و نحوه ابلاغ و اجرای احکام قطعی، با تصویب و ابلاغ وزیر راه و شهرسازی، ملاک عمل کلیه مراجع مربوط خواهد بود و با توجه به اینکه حکم مذکور در مقرره مورد شکایت در راستای اختیار قانونی مبنی بر تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی بوده که بر اساس آن تصریح به وکالت در شوراهای انتظامی الزامی اعلام شده است»، در نتیجه این شکایت درخور رد می باشد.

این دو محور استدلالی، هرکدام از جهات گوناگون، ناصواب و لغزنده به نظر می رسند.

۱. منظور این عبارت است: «[وکیل] دارای کلیه اختیارات لازم برای رسیدگی است مگر آنکه اختیار انجام کاری از وی توسط موکل کتباً سلب شده باشد». نه اصل حکم مندرج در این مقرره، مورد شکایت شاکی بوده است و نه حکم استثنایی این مقرره (سلب کتبی اختیار انجام کاری از وکیل توسط موکل) در این شکایت مطرح و مرتبط می باشد. البته در قسمت مربوط به «شیوه عمل و حدود اختیارات وکیل در حقوق خارجی» به بررسی این پرسش خواهیم پرداخت که آیا در حقوق خارجی، وکیل نیز می تواند اختیارات وکالت خود را نسبت به مراجع شبه قضایی و غیرقضایی مستثنی کرده و آن را محدود به مراجع قضایی نماید؟



محور استدلالی نخست از جمله از این حیث که «آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان» در مسئله مورد اختلاف و شکایت، یعنی همان کیفیت و شرایط وکالت در شوراهای انتظامی، اساساً ساکت نبوده و دارای حکم و بیان به خصوصی است که مورد اعتراض قرار گرفته است. اما محور استدلالی دوم، به یک «مغالطه قیاس ضمیر مردود» دچار است. در ادامه این دو محور استدلالی مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرند.

۲.۴.۱. سکوت آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان و رجوع به قانون آیین دادرسی مدنی

هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری در محور استدلالی نخست بر این عقیده است که مطابق با ماده ۴ «آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان»، ترتیبات وکالت در شورا در موارد سکوت در آیین رسیدگی، برابر مقررات مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی است. پس این هیئت بعد از ذکر این حکم، بی‌درنگ به سراغ نقل و تکرار احکام مقرر در مواد ۳۵ و ۳۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی می‌رود و در خاتمه چنین نتیجه می‌گیرد که مقررۀ مورد شکایت (ضرورت تصریح وکالت‌نامه به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا) مغایرتی با احکام یادشده ندارد. در این خصوص چند ایراد جدی مشهود است.

نخست آنکه اساساً موضوع شکایت و اختلاف امری نیست که آیین رسیدگی نسبت به آن سکوت کرده باشد؛ برعکس، آیین رسیدگی نسبت به آن تصریح و بیانی روشن دارد که مورد اعتراض و شکایت قرار گرفته است: «حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا باید در وکالت‌نامه مورد تصریح باشد». بنابراین، سکوتی را نمی‌توان به این آیین رسیدگی نسبت داد و در پی آن به سراغ تبیین احکام قانون آیین دادرسی مدنی رفت.

دوم آنکه به‌واقع تمسک و استناد به قانون آیین دادرسی مدنی و مقررات مندرج در باب دوم این قانون با عنوان «وکالت در دعاوی»، خود در کنار ماده ۶۶۴ قانون مدنی، از اصلی‌ترین دلایل بر مغایرت قانونی مقررۀ مورد شکایت است؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، اصل مورد پذیرش قانون یادشده در خصوص وکالت در دعاوی، دادرسی و محاکمه، اختیار وکیل در این موارد، از جمله وکالت در کلیۀ مراجع قضایی و شبه‌قضایی است، مگر در خصوص وکالت در موارد ماده ۳۶ و فقرات چهارده‌گانه ماده ۳۵ قانون که نیازمند تصریح در وکالت‌نامه است یا آنکه موکل امری را استننا کرده یا توکیل در آن خلاف شرع باشد. بدین‌سان این قسمت از رأی که درباره ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی و فقرات چهارده‌گانه آن است، می‌نویسد: «همچنین به موجب تبصره ۱ این ماده اشاره به شماره‌های

۲۹۷



آیین دادرسی تطبیقی
Comparative Civil Procedure

وکالت در
شوراهای انتظامی
نظام مهندسی
ساختمان؛ ...



یادشده در این ماده بدون ذکر موضوع آن تصریح نمی‌شود»، بی‌تردید استناد و استدلالی نادرست بوده، زیرا هیچ‌یک از این فقرات ناظر به مراجع شبه‌قضایی و غیرقضایی و ضرورت تصریح به نام یک مرجع شبه‌قضایی یا غیرقضایی بخصوص نمی‌باشد. به همین ترتیب، نقل مفاد ماده ۳۶ قانون یادشده نیز نادرست است؛ چراکه این ماده نیز چنان‌که آمد مربوط به وکالت در مرحله اجرایی و اخذ محکوم‌به و وجوه ایداعی است.

جالب آنکه با دقت در فقرات چهارده‌گانه ماده ۳۵ می‌توان دریافت که مقنن تنها در خصوص وکالت راجع به اعتراض به رأی، تجدیدنظر، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی و همچنین قسم و ویژه‌ای از رسیدگی به اختلاف و دعوی از سوی شخص ثالث، یعنی داوری (به‌عنوان شیوه خصوصی حل اختلاف) حساسیت به‌خرج داده و به همین دلیل تنها وکالت در این امور را به تصریح آنها در وکالت‌نامه ضروری دیده است. لذا این خود دلیل دیگری است که اصولاً وکالت نزد سایر مراجعی که در آن شخص یا اشخاص ثالثی نسبت به اختلاف و دعوی رسیدگی می‌نمایند، نیازمند تصریح در وکالت‌نامه نمی‌باشد.

۲. ۴. ۳. مغالطه قیاس ضمیر مردود

هیأت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری در محور استدلالی دوم معتقد است که چون تبصره ۳ ماده ۱۰۱ «آیین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان» چنین مقرر داشته است که آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی بدوی و تجدیدنظر و نحوه ابلاغ و اجرای احکام قطعی، با تصویب و ابلاغ وزیر راه و شهرسازی، ملاک عمل کلی مراجع مربوط خواهد بود و نیز از آنجا که حکم مندرج در آیین یادشده در خصوص ضرورت تصریح وکالت‌نامه به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا (مقرره مورد شکایت) در راستای اختیار قانونی مبنی بر تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی بوده است، لذا رأی به رد شکایت باید داد. این استدلال یک «مغالطه قیاس ضمیر مردود»^۱ به‌نظر می‌رسد. در این مغالطه برای توجیه یک حکم جزئی (در اینجا، ضرورت تصریح وکالت‌نامه به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا)، یک حکم کلی بیان می‌شود (در اینجا، اختیار وزیر نسبت به تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی و ملاک عمل بودن آن در کلیه مراجع مربوط) و مطرود بودن آن نیز به این دلیل است که نشان نمی‌دهد این مورد جزئی چگونه از آن موارد کلی است (جعفری‌تبار، ۱۳۹۹: ۲۸۱). به تعبیری این استدلال هیئت در حقیقت چنین صورتی داشته است:

1. . Unaccepted enthymeme.



- وزیر، اختیار تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی را داراست و این آیین ملاک عمل کلیه مراجع مربوط خواهد بود (تبصره ۳ ماده ۱۰۱ آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان).

- ضرورت تصریح وکالت نامه به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شوراهای انتظامی، آیین رسیدگی وزیر بوده که مصوب و ابلاغ شده است (ماده ۴ آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان).

- پس ضرورت تصریح وکالت نامه به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شوراهای انتظامی در آیین رسیدگی وزیر مغایرت قانونی داشته باشد (نتیجه رأی هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری).

آری، درست است که وزیر باید آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی بدوی و تجدیدنظر را تصویب و ابلاغ نماید و این آیین نیز ملاک عمل کلیه مراجع مربوط خواهد بود و ما نیز از پیش به این موضوع آگاهی داشتیم، اما آیا صرف این اختیار به تنهایی بر این دلالت می کند که وزیر در تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی، خود ابتکار عمل را به دست بگیرد و مجاز باشد تا روش های نوین را به نظام حقوق دادرسی و آیینی ایران تزریق نماید؟ و اساساً این رویکرد چه توجیه، فلسفه و آورده ای می تواند داشته باشد؟

اگر استدلال هیئت در این محور صحیح بود، آن وقت لازم می آمد که هیئت یادشده یا هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در شکایت نسبت به ابطال عبارت «وکیل مدنی باید مهندس عضو سازمان باشد» نیز رأی به رد شکایت یا عدم ابطال آن می داد و در آن، این گونه استدلال می کرد:

- وزیر، اختیار تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی را داراست و این آیین ملاک عمل کلیه مراجع مربوط خواهد بود (تبصره ۳ ماده ۱۰۱ آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان).

- ضرورت عضویت وکیل مدنی در سازمان نظام مهندسی ساختمان به عنوان مهندس، آیین رسیدگی وزیر بوده که مصوب و ابلاغ شده است (ماده ۴ آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان).

- پس ضرورت عضویت وکیل مدنی سازمان نظام مهندسی ساختمان به عنوان مهندس در آیین رسیدگی وزیر، نمی تواند مغایرتی با قانون داشته باشد (نتیجه مخالف با رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری).

این گونه به نظر می آید که اختیار وزیر نسبت به تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی تنها متضمن اختیار او در تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی

است و نه چیزی بیش از آن. شاید تنها اختیار وزیر مبنی بر تصویب آیین و نحوه ابلاغ و اجرای احکام قطعی در این شوراهاى انتظامی بتواند مفید ابتکار عمل او و امکان تزریق شیوه‌ها و روش‌هایی جدید به نظام حقوقی دادرسی و آیینی ایران باشد که البته در این حد نیز قابل تأمل است. بنابراین، وزیر در تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهاى انتظامی، در حدود و حصار قوانین و مقررات و عموماً و اصول حقوقی خواهد بود و به دشواری می‌توان قائل شد که او مجاز به تصویب و ابلاغ آیینی است که با این قبیل احکام و منابع مغایرت داشته باشد.

۵.۲. وضعیت اختیار وکالت در سایر مراجع شبه‌قضایی و غیرقضایی در حقوق ایران

مسئله و پرسش قابل تأمل دیگری که می‌تواند در بررسی و نقد این پرونده مورد توجه قرار گیرد، وضعیت اختیار وکالت در دیگر مراجع شبه‌قضایی و غیرقضایی در حقوق ایران است. به‌ویژه این پرسش در زمانی اهمیت بیشتر خود را نشان می‌دهد که وکالت‌نامه‌های تنظیمی وکلای دادگستری در حالت پیش فرض، بی‌آنکه تصریحی به نام یک یا چند مرجع شبه‌قضایی یا غیرقضایی بخصوص داشته باشند، به‌طور کلی در قسمت مربوط به «موضوع وکالت»، طرح دعوا و یا دفاع از حقوق موکل را در هر یک از مراجع شبه‌قضایی و سایر مراجع یادآور می‌شوند. برای نمونه، چنانچه وکلای دادگستری در وکالت‌نامه‌های تنظیمی و حدود اختیارات خود به مراجع شبه‌قضایی یا غیرقضایی اشاره کنند، آیا این اشاره برای وکالت در سازمان تعزیرات حکومتی کفایت می‌کند یا آنکه می‌بایست به‌صراحت عنوان این سازمان قید گردد؟

این پرسش که موضوع یک استعلام از اداره کل حقوقی قوه قضاییه بوده، با این توضیح همراه است که در سامانه عدل ایران، مراجع شبه‌قضایی به‌عنوان پیش فرض قید می‌شوند و اضافه و تغییر در این عنوان به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. اداره کل حقوقی قوه قضاییه طی نظریه شماره ۷/۱۴۰۱/۴۶۶ مورخ ۱۷ دی ۱۴۰۱ در پاسخ اظهار نموده است که قید اختیار وکالت در مراجع غیرقضایی و شبه‌قضایی در وکالت‌نامه‌ها، برای اعلام وکالت وکیل در سازمان تعزیرات حکومتی کافی است و بر این اساس، عدم تصریح به نام سازمان تعزیرات حکومتی در وکالت‌نامه یادشده مانع پذیرش وکالت‌نامه وکیل نخواهد بود.

این نظریه مشورتی از حیث عدم ضرورت تصریح به نام سازمان تعزیرات حکومتی در وکالت‌نامه وکیل، قابل توجه و صحیح است. اما از آنجا که این نظریه، قید اختیار وکالت در مراجع غیرقضایی و شبه‌قضایی را در وکالت‌نامه‌های وکلا بسننده می‌داند، ممکن است این تصور پدید آید که در صورت قید نشدن این اختیار، دیگر این وکالت‌نامه‌های وکلا مفید اختیار



وکالت آنها در مراجع غیرقضایی و شبهقضایی نبوده، مورد پذیرش این مراجع قرار نخواهند گرفت. چنان‌که پیش‌تر آمد، به‌نظر می‌رسد که وکالت‌نامه وکلای دادگستری، بدون قید و درج اختیار وکالت در مراجع شبهقضایی نیز بر اختیار وکلا نسبت به دادرسی، محاکمه و دعوی در این مراجع دلالت دارد. هم‌سو با این برداشت است که ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (مصوب ۲ تیر ۱۴۰۰ رئیس قوه قضاییه) مقرر می‌دارد:

«وکیل دادگستری با رعایت قوانین و مقررات این آیین‌نامه، با ارائه وکالت‌نامه، مجاز به وکالت و انجام سایر امور قابل توکیل در مراجع قضایی، شبهقضایی، نهادهای داوری و مراجع دولتی و غیردولتی است.»

۲.۶. شیوه عمل و حدود اختیارات وکیل در حقوق خارجی

بررسی مواضع و رویکردهای موجود در حقوق خارجی در خصوص این پرونده و مسائل مربوط به آن، خود نوشته مستقلی را می‌طلبد؛ اما در اینجا شایسته است به دو مسئله که در مطالب پیشین مورد نظر نبودند، توجه کرد.

۳۰۱



آیین‌وادی برای تطبیق
Comparative Civil Procedure

وکالت در
شوراهای انتظامی
نظام مهندسی
ساختمان؛ ...

نخست آنکه آیا در حقوق خارجی، ترتیبات وکالت وکلای دادگستری در مراجع شبهقضایی با ترتیبات وکالت افراد یا اشخاص غیروکیل یکسان است؟ این پرسش از آن حیث اهمیت دارد که «آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان»، تمایزی در این خصوص، دست‌کم از نظر مسئله مورد اختلاف در پرونده، یعنی لزوم تصریح به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا در وکالت‌نامه، قائل نشده است.

دوم آنکه آیا وکیل دادگستری نیز می‌تواند اختیار خود را نسبت به شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا یا مداخله در مراجع شبهقضایی و غیرقضایی مستثنی کرده، آن را به مراجع قضایی محدود نماید؟

در خصوص پرسش نخست، به‌نظر می‌رسد که حقوق خارجی وکالت وکلای دادگستری در مراجع شبهقضایی را از ترتیبات وکالت افراد یا اشخاص غیروکیل متمایز می‌داند و هرکدام را تابع ضوابط متفاوتی قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که وکالت افراد غیروکیل از تشریفات، ملاحظات و شرایط سخت‌تری تبعیت می‌کند. برای نمونه در قواعد و مقررات مربوط به «آژانس حمل‌ونقل کانادا»^۱ - مرجع شبهقضایی حمایت از مصرف‌کنندگان و مسافران هوایی - مقرر می‌گردد که نمایندگان فرد غیرعضو در کانون وکلا اختصاص یافته است. بر اساس این مقرر، چنانچه فردی که عضو کانون وکلای یک استان نیست، نماینده فردی در جریان اختلاف باشد، اصیل باید با درج اطلاعات موردنظر در پیوست ۴، اختیار عمل

1. Canadian Transportation Agency.

را از جانب خود به آن نماینده واگذار کند (Canadian Transportation Agency Rules (Dispute Proceedings and Certain Rules Applicable to All Proceedings), Section 16). از جمله اطلاعات مندرج در این پیوست، اعلامیه‌ای است که به امضای اصیل می‌رسد و تاریخ آن از سوی خود او قید می‌شود و نشان‌دهنده این نکته است که اصیل از جانب خود به نماینده و به منظور پیشبرد جریان دادرسی و اختلاف، اختیار عمل می‌دهد؛ از سوی دیگر نیز نماینده باید اعلامیه‌ای را امضا کرده، تاریخ آن را قید نماید که با اقدام از طرف اصیل موافقت نموده است (Canadian Transportation Agency Rules (Dispute Proceedings and Certain Rules Applicable to All Proceedings), Schedule 4). با توجه به اینکه درج اطلاعات یادشده از جمله فقرات پیوست ۴ است و جعل این پیوست نیز به مناسبت مقررۀ مربوط به نماینده غیر عضو کانون وکلا بوده است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که نمایندگی اعضای کانون وکلا از تشریفات و ملاحظات یادشده تبعیت نمی‌کند. اما در خصوص پرسش دوم می‌توان گفت که پاسخ پرسش در حقوق خارجی ذیل عناوین و مباحث گوناگونی همچون رفتار حرفه‌ای وکلای دادگستری و قواعد مربوط به آن و یا «قلمرو نمایندگی»^۱ «نمایندگی کامل»^۲ و «نمایندگی محدود»^۳ قابل بررسی و ملاحظه است. برای نمونه، مطابق با قواعد مدل رفتار حرفه‌ای کانون وکلای امریکا، وکیل ممکن است قلمرو نمایندگی را محدود نماید، به شرط آنکه محدودیت بر حسب اوضاع و احوال (شرایط) معقول باشد و موکل نیز به این محدودیت رضایت آگاهانه بدهد (American Bar Association's Model Rules of Professional Conduct, Rule 1.2 (c)). در خصوص شرط معقول بودن محدودیت، از جمله عقیده بر این است که اگر وکیل آگاهی داشته باشد یا آنکه به‌طور معقولی می‌بایست بداند که در زمان ایجاد رابطه وکالت، محدودیت موردنظر به موکل اجازه نخواهد داد که به اهداف نمایندگی دست یابد، چنین محدودیتی آشکارا نامعقول خواهد بود (Richmond, 2025: 65).

۳۰۲



آیین دادرسی قضایی
Comparative Civil Procedure

سال اول / شماره دوم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، نگارنده با بررسی و شرح دادنامه شماره ۱۴۰۴۳۱۳۹۰۰۰۹۲۴۶۹۵ مورخ ۲۲ تیر ۱۴۰۴ هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری و تحلیل انتقادی مفاد آن، به نتایج گوناگونی دست یافته است که اهم آنها را به ترتیب زیر می‌توان صورت‌بندی و ارائه کرد:

1. . Scope of Representation.
2. . Full Representation.
3. . Limited Representation.

۱. با انعقاد و امضای وکالت‌نامه و قرارداد الکترونیکی وکالت میان وکلای دادگستری و اشخاص و ارائه آن به «شورای انتظامی نظام مهندسی» و «شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان استان» شوراهای نامبرده را نمی‌توان متوقع دانست که در وکالت‌نامه ارائه‌شده به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در این شوراهای تصریح شده باشد. این ترتیب هماهنگ با ماده ۳ «آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» (مصوب ۲ تیر ۱۴۰۰) است و البته حکم مندرج در آیین‌نامه یادشده نیز از وضعیت جدیدی حکایت نمی‌کند، بلکه حکمی است مطابق با قاعده و اصل در باب «وکالت در دعاوی» (ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی) و «وکالت در محاکمه» (ماده ۶۶۴ ق.م).

۲. با انعقاد و امضای وکالت‌نامه و قرارداد الکترونیکی وکالت میان وکلای دادگستری و اشخاص و نیز ارائه آن به «شورای انتظامی نظام مهندسی» و «شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان استان» و با فرض تصریح به حق طرح دعوا و یا دفاع از حقوق موکل در هریک از مراجع شبه قضایی و سایر مراجع در این‌گونه وکالت‌نامه‌ها، بازهم این شوراهای نامبرده نمی‌توانند متوقع تصریح و ذکر نام خود در وکالت‌نامه باشند و در هر صورت هرگونه تردیدی در خصوص اختیار وکالت وکلای دادگستری در این شوراهای از میان خواهد رفت.

۳. رأی هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری به رد شکایت با موضوع ابطال قسمتی از ماده ۴ «آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان» مبنی بر «ضرورت تصریح وکالت‌نامه به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شورا»، به‌طور صحیح صادر نشده و با قوانین و مقررات منطبق نبوده و دارای ایراد قانونی است.

۴. رأی این هیئت در آغاز به ذکر قسمتی از ماده ۴ آیین یادشده پرداخته که اساساً نه اصل حکم مندرج در آن مورد شکایت شاکی بوده و نه حکم استثنایی مندرج در این قسمت (سلب کتبی اختیار انجام کاری از وکیل از جانب موکل) در شکایت پیش‌گفته مطرح و مرتبط است.

۵. با عبور از قسمت آغازین رأی، استدلال‌های هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری در رأی موردنظر از دو محور بیشتر خارج نیست؛ یکی آنکه هیئت در رأی خود، «آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان» را ساکت پنداشته و به آن سکوت نسبت داده و سپس به دلیل حکم مندرج در این آیین مبنی بر رجوع به مقررات آیین دادرسی مدنی در موارد سکوت، به سراغ تکرار و نقل مواد ۳۵





و ۳۶ این قانون رفته و غافل از آن بوده است که ماده ۳۵ قانون یادشده خود متضمن اصل اختیار وکیل در دعاوی است و هیچ‌یک از فقرات چهارده‌گانه این ماده نیز تصریح به وکالت در مراجع شبه قضایی یا غیرقضایی را لازم نمی‌داند و ماده ۳۶ نیز مربوط به وکالت در مرحله اجرایی و أخذ محکوم به و وجوه ایداعی به نام موکل است.

دوم آنکه هیئت بر این باور است، چون وزیر ذی صلاح از پیش، اختیار تصویب و ابلاغ آیین رسیدگی به تخلفات در شوراهای انتظامی را داشته و این آیین ملاک عمل کلیه مراجع مربوط خواهد بود و ضرورت تصریح وکالت‌نامه به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شوراهای انتظامی نیز آیین رسیدگی وزیر بوده که مصوب و ابلاغ شده است، پس ضرورت تصریح وکالت‌نامه به حق شکایت انتظامی یا دفاع از حقوق موکل در شوراهای انتظامی در آیین رسیدگی وزیر، مغایرت قانونی نمی‌تواند داشته باشد و باید رأی به رد شکایت داد. این استدلال نیز یک «مغالطه قیاس ضمیر مردود» است؛ استدلالی سخت بی‌بنیاد که نشان نمی‌دهد که چگونه می‌توان از آن حکم کلی، این حکم جزئی را نتیجه گرفت.

۶. در حقوق خارجی، مطالعات و بررسی‌ها حکایت از آن دارد که ترتیبات وکالت در مراجع شبه قضایی از سوی اشخاص غیر عضو کانون‌های وکلا با شیوه وکالت اعضای کانون‌های وکلا متفاوت بوده، آنچه موجب حساسیت و ملاحظات بیشتر می‌شود، همان وکالت اشخاص غیر وکیل است

منابع و مأخذ

الف: فارسی

- کتاب‌ها

۱. جعفری تبار، حسن (۱۳۹۹). منطق حیرانی: در باب استدلال حقوقی. چاپ اول. تهران: فرهنگ نشر نو.
۲. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۵). آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی. چاپ پنجم. تهران: نشر میزان.
۳. عبده بروجردی، محمد (۱۴۰۱). اصول محاکمات حقوقی. به کوشش: سید ناصر سلطانی. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. نوبخت، یوسف (۱۳۹۳). نگاهی به آیین دادرسی مدنی. چاپ اول. تهران: نشر رادان‌اندیش.

- مقالات

۱. غمامی، مجید (۱۴۰۱). جستاری تطبیقی در اوصاف نظام دادرسی مطلوب. نشریه علمی مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۳ (۲۷)، صص ۱۴۹-۱۷۰.
۲. محسنی، حسن (۱۴۰۰). حق دادخواهی و شکایت از نظر شورای انتظامی سازمان نظام مهندسی و کنترل ساختمان. مجله مطالعات حقوقی، ۱۳ (۳)، صص ۲۱۳-۲۴۰.

- مقررات و مصوبات

۱. آیین رسیدگی شوراهای انتظامی نظام مهندسی ساختمان، مصوب ۱۴۰۰/۳/۱ وزیر راه و شهرسازی.
۲. آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، مصوب ۱۳۷۵/۱۱/۱۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۳. آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ رئیس قوه قضاییه.
۴. مصوبه شماره ۹۰۰۰/۱۴۶۲/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱/۹ رئیس قوه قضاییه با عنوان «دستورالعمل جامع امور نمایندگان قوه قضاییه و نظارت بر مراجع شبه قضایی».

- آرا و نظریات مشورتی

۱. دادنامه شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور به شماره ۱۸۰۵/۲۴۳۴۰۲۴۳۴۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۲۵.
۲. دادنامه هیئت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۴۰۴۳۱۳۹۰۰۰۰۹۲۴۶۹۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۲.
۳. دادنامه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۴۰۳۳۱۳۹۰۰۰۱۴۲۴۷۲۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۰.
۴. رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۸۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۴.
۵. نظره مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۱۴۰۱/۴۶۶ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۷.

ب: انگلیسی

1. American Bar Association's Model Rules of Professional Conduct.
2. Richmond, Douglas R. (2025). 'Sighting the Scope of a Lawyer's Representation', St. Mary's Journal on Legal Malpractice & Ethics, 15 (1), pp. 54-108.

پ: منابع فارسی به انگلیسی

- Books

- 1- Boroujerdi Abdo, Mohammad (2022). The Principles of Civil Courts Procedure. Edited by: Seyyed Naser Soltani. Second Edition. Tehran: Enteshar Co. (In Persian)
- 2- Hayati, Ali Abbas (2016). Civil Procedure in the Present Legal Order. Fifth Edition. Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)
- 3- Jafari tabar, Hassan (2020). The Logic of Perplexity: On Legal Reasoning. First Edition. Tehran: Nashre No Publishing. (In Persian)
- 4- Nobatht, Yousef (2014). A Look at the Civil Procedure. First Edition. Tehran: Rad'No Andish Publishing. (In Persian)

- Articles

- 1- Ghamami, Majid (2022). An Investigation into the Characteristics of Due Process. Contemporary Comparative Legal Studies, 13 (27), pp. 149-170. doi: 10.22034/LAW.2021.46656.2929. (In Persian)
- 2- Mohseni, Hassan (2021). Access to Justice and Attack on the Official Body for Referral of Complaint & the Opinion of Disciplinary Council of Order of Engineering and Building Controlling, Journal of Legal Studies, 13 (3), pp. 213-240. doi: 10.22099/JLS.2021.36844.3847. (In Persian)



- Regulations and Enactments

- 1- Canadian Transportation Agency Rules (Dispute Proceedings and Certain Rules Applicable to All Proceedings), Last amended on June 4, 2014.
- 2- Implementing Regulation of the Act on Construction Engineering Organization and Control, Enacted on February 5, 1997, with Subsequent Amendments and Additions. (In Persian)
- 3- The Enactment of the President of Judicial Branch, No. 9000/1462/100 dated March 28, 2020, Entitled "Comprehensive Directive for the Affairs of Judicial Branch's Representatives and Oversight over the Quasi-Judicial Tribunals". (In Persian)
- 4- The Implementing Regulation on the Legislative Bill of the Independence of Bar Association, Enacted on June 23, 2021 by the President of Judicial Branch. (In Persian)
- 5- The Procedure of Disciplinary Councils for Construction Engineering Organization, Enacted on May 22, 2021 by the Minister of Road and Urban Development. (In Persian)

- Judgments and Advisory Opinions

- 1- Advisory Opinion of the Legal General Directorate of Judiciary, No. 7/1401/466, dated January 7, 2023. (In Persian)
- 2- Judgment of Chamber 19 of the Supreme Court, No. 9309980243401805, dated August 16, 2015. (In Persian)
- 3- Judgment of the General Board of Administrative Court of Justice, No. 140331390001424724, dated September 10, 2024. (In Persian)
- 4- Judgment of the Specialized Board for Administrative and Public Affairs of the Administrative Court of Justice, No. 140431390000924695, dated July 13, 2025. (In Persian)
- 5- Unified Judicial Precedent Judgment of the Supreme Court, No. 786, dated January 14, 2020. (In Persian)

